

به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی

# روایت‌هایی از ورود امام خمینی (ره) به کشور تا پیروزی انقلاب اسلامی



هیچ تغییر و هیچانی نظیر بقیه در ایشان مشاهده نشد. حجه‌الاسلام والمسلمین ناطق نوری با بیان اینکه در آن روزها که انقلاب در آستانه پیروزی بود و ما در کنار امام بودیم، صفات و روحیات امام همه ما را متعجب کرده بود، گفت: «خصوص آن روز و آن روحیه قوی امام هرگز از یادم نمی‌رود. لحظه اعلام حکومت نظامی بود، ساعت نزدیک چهار و نیم بعدازظهر ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ و ما در خدمت امام بودیم؛ همه ما دلپره عجیبی داشتیم. اما امام گویی که هرگز اتفاقی رخ نداده است، در حالی که مشغول نوشتن اعلامیه‌های برای شکستن حکومت نظامی بودند گفتند: «در مدرسه باز هست یا نه؟» تا گفتیم به علت خطراتی که ممکن است وجود داشته باشد در مدرسه را بستیم، ایشان فوراً گفتند: «در بار کنید تا مردم رفت و آمد کنند.» و همان شب که شب ۲۲ بهمن بود و احتمال بمباران و کودتای نظامی می‌رفت هر چه از امام تقاضا کردیم که مدرسه را ترک کنید و فعلاً در جای دیگری بمانید، ایشان در جواب ما با اطمینان خاطر می‌گفتند: «هر که می‌ترسد برود، من اینجا هستم.» حجه‌الاسلام والمسلمین محمد علی انصاری کرمانی درباره شب پیروزی انقلاب گفت: «در آن شب خبری به اقامتگاه امام رسید که به موجب آن گفته می‌شد که مزدوران رژیم شاه قصد حمله به مدرسه علوی را به منظور نابودی امام دارند. خبر فراگیر شده بود. تمام اطرافیان امام به ایشان می‌گفتند که آن شب را به محل دیگری تشریف ببرند اما امام قبول نمی‌کردند، رفته رفته که قضیه جدی می‌شد و امام راضی به تغییر محل اقامتشان نمی‌شدند بسیاری از روشنفکران و سیاسیون و حتی برخی از آقایان به بهانه استراحت... امام را تنها گذاشتند و رفتند اما امام همچنان می‌فرمودند:

## ■ حال و هوای روزهای نخست پس از انقلاب

یک روز پس از پیروزی انقلاب این شاموم شده تهران پیچید که آب لوله‌کشی مسکوم شده است و موجی از نگرانی در میان مردم به وجود آمد. همان شب (شامگاه ۲۳ بهمن ۵۷) مهندس‌بازرگان به رادیو رفت و به گواه مجری یک لیوان آب نوشید و گفت: «خیال مردم آسوده باشد. هیچ مسمومیتی در کار نیست و اگر باشد تا پایان این برنامه مشخص می‌شود.» بازرگان نه تنها نخست وزیر بود که در خاطره نسل قبل به عنوان مجری پروژه لوله‌کشی آب تهران در اوایل دهه ۳۰ نیز شناخته می‌شد و از این نظر سخن او حجت به شمار می‌رفت و خوش‌بختانه شایعه تکذیب شد. جسارت و ابتکار بازرگان اما در

بیرون بود. او افزود: «ایشان همچنین به کسانی که سعی در حفظ و نگهداری نظام سلطنتی دارند هشدار دادند که اگر تسلیم ملت نشوند ملت شما را به جای خود خواهد نشاند. امام در قطعه‌ی ۱۳ بهشت‌زهر(اس) - مزار شهدای انقلاب اسلامی - سخنرانی تاریخی خود ایراد کردند. ایشان با تشکر و تسلیت مصیبت از دست دادگان نطق خود را آغاز کردند و در ادامه پایه‌های رژیم سلطنتی را که با سرتیژه مجلس مؤسسان را در زمان رضاشاه تشکیل داد، خلاف قوانین و تحمیلی اعلام کردند.»

افراز ادامه ادامه داد: «مجلس فرمایشی که مردم در آنها دخالت نداشتند را نیز غیرقانونی دانستند. سپس با اشاره به اقدامات «به نام اصلاح و ترقی» محمدرضا اوضاع ایران را فرق در فساد و ویرانی دانستند

که عظیم‌ترین ذخیره طبیعی کشور را به غیر داده است. در نهایت با جمع‌بندی این مطلب که رژیم و مجلسین غیر قانونی و مجرم هستند، فرمودند: «من دولت تعیین نمی‌کنم... من به پشتیبانی این ملت دولت تعیین می‌کنم. من به واسطه اینکه ملت مرا قبول دارد... دولتی که متکی به آراء ملت است، متکی به حکم خداست.» و در پایان از ارتش دعوت کردند به صفوف مردم بپیوندند. مراسم ورود امام توسط تلویزیون دولتی به طور زنده پخش می‌شد، اما بعد از ۱۰ دقیقه برنامه قطع شد. گویا نظامیان بورش برده و مسئولین مجبور به قطع آن شده بودند.»

## ■ لحظات نخست پیروزی انقلاب

محمود بورجری با بیان اینکه لحظات اول پیروزی انقلاب، روزی که به اتفاق بعضی از دوستان رفیق و سواوک را به اصطلاح خردمان تشریح کردیم، گفت: «بعد آمدن منزل که ضرایخانه بود و همین که صدای انقلاب اسلامی را از رادیو شنیدیم به سرعت رفتیم به سوی مدرسه علوی که جایگاه امام بود. آنجا قیامتی برپا شده بود. وقتی رفتم خدمت امام، دیدم امام نشستند توی اتاق و خانواده ما هم در خدمتشان هستند و مشغول نگاه کردن تلویزیون هستند.» او ادامه داد: «من با یک ششور و شغف و ولی پریدم و دست ایشان را بوسیدم و پیروزی انقلاب را تبریک گفتم. ایشان با وضع عجیبی فرمودند: هنوز که اتفاقی نیفتاده، هنوز که چیزی نشده (عین عبارات را نقل می‌کنم) عرض کردم آقا، خیلی مسئله مهمی است، ایشان فرمودند: الحمدلله رب العالمین، ولی هنوز اتفاقی نیفتاده. من تعجب کردم رژیم منحوس دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی با آن ابهتی که در دنیا برایش ایجاد کرده بودند ساقط شده ولی ایشان می‌فرمایند که چیزی نیست.» حجه‌الاسلام

والمسلمین سید محمود دعائی درباره حالات روحی امام خمینی اظهار کرد: امام کوه صلابت بودند. وقتی انقلاب به پیروزی رسید در حالی که عده‌ای از ما که اطراف بودیم از جمله خود من به شدت هیجان‌زده شده بودیم و حتی عده‌ای از شوق گریه می‌کردند، امام استوار و محکم به همه روحیه می‌دادند و بی‌کم و کاست پخش کند.

قرار گرفتند و من در وسط آنها بودم. این گروه (اسکورت‌ها) تا دم فرودگاه کارشان طبق برنامه بود، ولی همین که به خارج از فرودگاه رسیدیم همه چیز به هم خورد. چون مردم ماشین امام را احاطه کرده بودند و میان ماشین‌های اسکورت و ماشین ما فاصله افتاده بود. بدین ترتیب دیگر اگر اسکورت‌ها هم بودند فایده‌ای نداشت.»

او ادامه داد: «ولین جایی که ماشین توقف کرد در میدان فرودگاه بود. مسیر باند تا میدان فرودگاه را که دوپست متر بیشتر نبود به دلیل ازدحام مردم به اشاره طی کردیم. همین که در میدان متوقف شدیم در میدان لحظه‌ای در حرکت تردید کنم اصلاً نمی‌توانم امام را به بهشت‌زهر(اس) برسانم. چون هر آن از دحام جمعیت بیشتر می‌شد؛ بنابراین تصمیم گرفتم به هیچ وجه توقف نکنم و هرگونه توقف اجباری را بشکنم و به راه خود ادامه دهم. در طول مسیر از فرودگاه تا بهشت‌زهر(اس) امام آرام در ماشین نشستند، بود، در حالی که لیچند محبت‌آمیز بر لبانشان بود و مدام به احساسات مردم با لیچند و تکان دادن دست پاسخ می‌دادند.»

## ■ نخستین سخنرانی امام بعد از ورود به ایران

رفیق‌دوست با اشاره به اینکه در بهشت‌زهرها همه منتظر آمدن امام بودند، گفت: «جمعیت موج می‌زد و همه مشتاق دیدار با امام بودند. خانم بهجت افراز نیز می‌گوید: «ساعت ۶ صبح به میدان عشرت‌آباد رفتم و سوار اتوبوس‌ها شدم. در خیابان‌ها و جاده منتهی به بهشت‌زهر(اس)، انسان‌ها مثل رودخانه عظیمی در حرکت بودند و همه مردم، پای پیاده از تهران به سوی بهشت‌زهر(اس) راه افتاده بودند. زن‌ها با یک بچه در بغل و چندتا بچه پشت سر، به سوی بهشت‌زهر(اس) می‌رفتند. به نزدیکی بیابان‌های اطراف بهشت‌زهر(اس) که رسیدیم، همه مردم از میان زمین‌های خاکی راه میان‌بر را انتخاب کرده و در حال حرکت بودند. مثل اینکه خورشیدی در حال درخشیدن بود و تمام ذرات در حال جذب شدن به سوی آن بودند.» بهجت افراز می‌گوید: «جمعیت موج می‌زد و همه مشتاق دیدار با امام بودند. خانم بهجت افراز نیز می‌گوید: «ساعت ۶ صبح به میدان عشرت‌آباد رفتم و سوار اتوبوس‌ها شدم. در خیابان‌ها و جاده منتهی به بهشت‌زهر(اس)، انسان‌ها مثل رودخانه عظیمی در حرکت بودند و همه مردم، پای پیاده از تهران به سوی بهشت‌زهر(اس) راه افتاده بودند. زن‌ها با یک بچه در بغل و چندتا بچه پشت سر، به سوی بهشت‌زهر(اس) می‌رفتند. به نزدیکی بیابان‌های اطراف بهشت‌زهر(اس) که رسیدیم، همه مردم از میان زمین‌های خاکی راه میان‌بر را انتخاب کرده و در حال حرکت بودند. مثل اینکه خورشیدی در حال درخشیدن بود و تمام ذرات در حال جذب شدن به سوی آن بودند.»

## ■ امام (ره) در راه بهشت‌زهر(اس)

عضو هیئت امنای بنیاد مستضعفان در ادامه بیان اینکه بعد از آن که امام همراه احمد آقا سوار ماشین شدند به طرف بهشت‌زهر(اس) به راه افتادیم، گفت: «گروه اسکورت، آن چنان که سازماندهی کرده بودیم، در دو طرف ماشین عضو هیئت امنای بنیاد مستضعفان در ادامه بیان اینکه بعد از آن که امام همراه احمد آقا سوار ماشین شدند به طرف بهشت‌زهر(اس) به راه افتادیم، گفت: «گروه اسکورت، آن چنان که سازماندهی کرده بودیم، در دو طرف ماشین

خارج شدند.» محمداشمنی عضو سابق مجمع تشخیص مصلحت نظام و برادر مرحوم آیت‌الله‌هاشمی‌رفسنجانی با اشاره به اینکه وقتی امام وارد سالن شدند، سرود «خمینی ای ام» پخش شد، گفت: «امام صحبت کوتاهی با ملت فرمودند؛ در آغاز از عواطف طبقات مختلف، عواطفی که بر دوششان بار گرانی بود، قدردانی کردند و سپس از تمامی طبقات، روحانیون، بازرگانان، دانشجویان و... به خاطر تحمل زحمات تشکر نمودند. ایشان وحدت کلمه را رمز پیروزی دانستند اما متذکر شدند: پیروزی ما وقتی است که دست اجانب از مملکت‌مان کوتاه شود. سیل جمعیت که مشتاقانه به استقبال از امام آمده بودند بی‌شک فرصت و موقعیت برنامه‌ریزی برای اعضای کمیته استقبال محدود می‌کرد.»

## ■ استقبال از امام خمینی (ره) در فرودگاه ایران

محسن رفیق‌دوست وزیر سپاه و رئیس اسبق بنیاد مستضعفان و جانبازان با بیان که راننده اتومبیل حضرت امام از فرودگاه به بهشت‌زهر(اس) بود از آن لحظات، اینگونه روایت می‌کند: «... امام به سالن کوچکی که در چند متری محوطه باند تشریف آوردند. ازدحام جمعیت به گونه‌ای بود که مدام افراد غشی می‌کردند و می‌افتادند... شلوفنی به حدی بود که نه توقف امام در آن مکان کوچک میسر بود و نه امکان این که امام را از این مکان بیرون ببریم وجود داشت. چون مردم بیرون می‌آمدند نمی‌گذاشتند امام سوار ماشین که دم در پارک شده بود شوند؛ بنابراین تصمیم گرفتم امام را دوباره به باند ببریم تا بعد ماشین را به سوی باند بیاوریم و امام همان جا سوار شوند. امام به سوی باند بازگشتند و چند دقیقه صحبت کردند و بعد فرمودند: «عده ما، بهشت‌زهر(اس)». وزیر سپاه ادامه داد: «من هم پریدم ماشین را کنار باند آوردم. همان زمان که من ماشین (بلیزر) را می‌آوردم دیدم که امام و حاج سید احمد آقا سوار یک بنز شدند که مال نیروی هوایی می‌بود. بلافاصله رفتم و ضمن عرض ادب گفتم که آقا شما قرار است در این ماشین بنشینید. آقا فرمودند: «چه ضرورتی دارد؟» عرض کردم که این ماشین کوتاه است و جمعیت زیاد. بنابراین ما یک ماکولینه بلند برای شما در نظر گرفته ایم که مردم بتوانند شما را ببینند. در همین هنگام شهید عراقی به کمک آمدند و به امام گفتند: آقا شما تشریف بیاورید عقب این ماشین (بلیزر) سوار شوید؛ بنابراین امام از آن ماشین پیاده شدند و در ماشین ما نشستند.» رفیق دوست افزود: «چنانچه حاج احمد آقا گفت که در فرودگاه، مرحوم آیت‌الله طالقانی با آیت‌الله منتظری و سایر افرادی که آنجا بودند، همه معتقد بودند به اینکه امام نباید به بهشت‌زهر(اس) بروند؛ چون که راه بهشت‌زهر(اس) خیلی شلوغ است و ما می‌گفتیم اگر برویم به میان مردم عادی چه می‌شود، ولی امام گفتند: خیر، من باید بروم بهشت‌زهر(اس). باید یادآور شوم که طرح رفتن به بهشت‌زهر(اس) را امام خودشان وقتی در پاریس بودیم اعلام کردند. با وجود اصرار آن مسئولین برای منصرف کردن امام از این تصمیم، ما عازم بهشت‌زهر(اس) شدیم؛ چون امام خودشان چنین تصمیمی داشتند.»

## ■ پاسخ جالب امام خمینی به خبرنگاران

این فعال سیاسی اصولگرا با بیان اینکه وقتی از مرز ترکیه وارد ایران شدیم، یکی دو هواپیمای فانتوم اطراف هواپیمای ما را احاطه کردند، نگرانی همه ما بیشتر شد، گفت: «ما الحمدلله اتفاقی پیش نیامد و آن هواپیماها هم رفتند. با فاصله یکی خبرنگارهایی که در انتهای هواپیما سوار بودند، برای مصاحبه به قسمت جلو و خدمت امام آمدند.» عسکر اولادی ادامه داد: «یک خبرنگار که شاید آمریکایی بود، پرسید: «شما به عنوان مقتدرترین انسان در حال وارد شدن به ایران هستید، لطفاً بگویید چه احساسی دارید؟» امام فرمودند: «هیچ». این خبرنگار خیال کرد که با حرفش را نتوانسته است برساند یا بد ترجمه کرده یا امام متوجه نشده‌اند سؤالی چه بوده، برای همین مجدداً پرسید: «شما در طول تاریخ ایران به عنوان مقتدرترین انسان در حال وارد شدن به ایران هستید، از این ورود مقتدرانه چه احساسی دارید؟» وقتی که ترجمه کردند امام فرمودند: «میچی» و اهیسته ادامه دادند: «لان ان اقیم حفا و ابطل باطلا»؛ مگر اینکه حقی را استوار کنم و باطل را سرتگون سازم.»

## ■ تقاضای شیطانی از خلبان هواپیما

عسکر اولادی با اشاره به اینکه هواپیما آرام آرام نزدیک باند آمد و یک دور زد و اوج گرفت اظهار کرد: «هواپیما دو مرتبه برگشت و با آرامش نشست. نفهمیدیم این قضیه چه بود. سه سال پیش که خلبان مصاحبه‌ای کرد گفت از من یک کار شیطانی خواسته شده بود که من در دنیا و قیامت نمی‌توانم جواب بدهم، بدین جهت بالا رفتم و به خودم مسلط شدم و دو مرتبه پایین آمدم.» او ادامه داد: «هواپیمای امام ساعت ۸:۴۵ دقیقه در باند فرودگاه مهرآباد بر زمین نشست. با گشوده شدن در خروجی هواپیما ابتدا همراهان امام و خبرنگاران خارج شدند. سپس ۹:۳۰ دقیقه گروهی از منتخبین کمیته استقبال وارد هواپیما شدند و رأس ساعت ۹:۳۷ دقیقه و ۳۰ ثانیه امام از هواپیما

آفتاب یزد- گروه سیاسی: ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، یکی از ماندگارترین برگ‌ها در تاریخ ایران پسا انقلاب است. روزی که ملت ایران به رهبری امام‌خمینی (ره) حماسه آفریدند و پس از سال‌ها انتظار و مبارزه با حکومت شاهنشاهی، پیروزی انقلاب اسلامی را رقم زدند. واقعه تاریخی که در ابتدای امر با ورود امام‌خمینی به مهبین در ۱۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ و استقبال بی‌نظیر مردم از فرودگاه تا بهشت زهرا (س) رقم خورد. از این رو، در سالروز چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی یکبار دیگر تازگی حاصل گردید تا مروری بر خاطرات و روایت‌های موجود از آن روزها شود. چرا که سالروز پیروزی انقلاب اسلامی بیش از هر چیز برای کسانی که آن روزها را از نزدیک دیده و با تمام وجود لمس کرده‌اند ولو در آن زمان در سنین جوانی یا کودکی بوده باشند، مالمال از خاطره است.

به همین دلیل در سالروز چهلمین روز از انقلاب اسلامی به روایت‌هایی از چهره‌های مختلف سیاسی از لحظه ورود امام‌خمینی در فرودگاه ایران، استقبال بی‌نظیر از او، سخنرانی رهبر فقید در بهشت‌زهر(اس)، پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ماه سال ۵۷ و روزهای نخست پیروزی انقلاب پرداخته ایم که به نظر خالی از جذابیت نباشد.

## ■ مراسم بدرقه امام (ره) در پاریس

همان‌طور که در فرودگاه ایران برنامه‌هایی برای استقبال از امام تدارک دیده شده بود، در فرودگاه پاریس نیز مراسمی برای بدرقه امام تدارک دیده شد. از ساعت هفت بعدازظهر به وقت پاریس لحظه‌ای که هواپیمای امام‌خمینی (ره) در آسمان فرودگاه شارل دوگل به پرواز درآمد، حدود یک هزار تن از دانشجویان، زنان و مردان مقیم فرانسه و سایر کشورهای اروپایی و آمریکایی که برای مشایعت امام‌خمینی به فرودگاه آمده بودند در محوطه فرودگاه در حالی که ده‌ها عکس امام‌خمینی را در دست داشتند به نفع او شعار می‌دادند و سرودهای انقلاب و پیروزی را می‌خواندند. در گوشه‌ای از فرودگاه هم نمایشگاهی از عکس‌های شهدای انقلاب، مجروحان و کسانی که در طی سال‌های اخیر شکنجه دیده بودند برپا شده بود که بر بالای آن نوشته بودند: «حقوق بشر شاه»

## ■ مراسم بدرقه امام (ره) در فرودگاه پاریس

مرحوم مرحوم حبیب‌الله عسکر اولادی که خود یکی از مسافران هواپیمای حامل امام‌خمینی بود، از حال و هوای غروب یازدهم بهمن ماه سال ۵۷ روایت می‌کند و می‌گوید: «غروب یازدهم بهمن برای حرکت به سمت ایران به فرودگاه رفتم. جمعیت زیادی از کشورهای مختلف اروپایی و اسلامی آنجا جمع بودند و یکپارچه ابراز احساسات می‌کردند. هواپیمای حامل امام‌خمینی سپس حدود ساعت یک به وقت فرانسه و ۳ و ۳۰ دقیقه به وقت تهران از فرودگاه شارل دوگل به سمت ایران به پرواز درآمد. در داخل هواپیما حال و هوای خاصی حاکم بود. اما در این میان امام‌خمینی آرامش خاصی داشت.» این فعال سیاسی اصولگرا ادامه داد: «وارد هواپیما که شدیم امام در صندلی جلو هواپیما نشستند و بنده هم صندلی سوم پشت سر امام. هیچ‌کاری هم نداشتم و فقط حالات امام را نگاه می‌کردم... مقداری از شب که گذشت خلبان آمد خدمت امام و عرض کرد که اگر میل داشته باشید، می‌توانید بروید و روی تخت من استراحت کنید. بعضی از کسانی که در آنجا بودند، از روی نگرانی که نکند برای امام

